

میتواند به حکم محل مرض حال داده کذب نتیجه رسیدگی و تفتیش را ثابت نماید
 در این صورت اخذ جریمه متوقف بر حکم محکمه خواهد بود و چنانچه محکمه بمنفعت مالک رایورت مامورین مالیه را تکذیب نمود اداره مالیه بخسارات وارده محکوم و مامورینی که بر خلاف رایورت داده اند به کما ات اداری جلب میشوند
 پیش نهاد شاهزاده محمد ولی میرزا چنانچه در نتیجه تفتیش و رسیدگی پامیزی معلوم شود که مندرجات اظهار نامه در قسمتی که عایدات اختصاصی صاحب اظهارنامه است بر خلاف حقیقت بوده از اشخاصی که مخالف حقیقت اظهارنامه را می دهند معادل ثلث از مالیات قانونی که کمتر قلمداد کرده اند به عنوان جریمه اخذ خواهد شد

پیش نهاد آقای اجاق در ذیل آن تبصره داده شود هیئت ممیزین و رسیدگی دونفر از مالیه یک نفر از طرف مالک دونفر از دهات همان صفحه که خبره باشد تعیین شده حکمیت و تصدیق اکثریت رای ۳ نهاد شرط باشد
 پیش نهاد آقای زعیم بنده پیشنهاد می کنم سیاست و مجازات امضاء کننده اظهارنامه که مفاد ماده ۶ شامل حال او میشود بر این میزان قرار داده شود که کلیه مخارج ممیزی را که وزارت مالیه نسبت بان عمل متحمل می شود شخص مسئول تادیه نماید

پیشنهاد آقای دامغانی بنده پیش نهاد می کنم (در ماده ۶) جریمه وقتی تعلق می گیرد که رسیدگی وزارت مالیه در تحت نظریک یا چند نفری که حکمیت از مالک و مالیه داشته باشند بعمل آید
 نایب رئیس - ماده هفت مطرح است

(بعضی از نمایندگان - ماده هشت) نایب رئیس - ماده هفتم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - جریمه مندرجه در ماده چهار در صورتی تعلق میگیرد که اختلاف بین مندرجات اظهارنامه و نتیجه تفتیش پامیزی از صدی ده تجاوز نماید

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - عرضی ندارم نایب رئیس - مخالفی نیست از طرف نمایندگان خیر نایب رئیس - ماده هشتم (بشرح آتی قرائت شد)

ماده هشتم - اراضی و املاک بایره که مالکین بعد از اجرای این قانون شروع به آبادی کنند اعم از اینکه سابق محل زراعت و آباد بوده و یا جدیداً احیاء می شود

از برداشت اولین محصول تا پنج سال از تادیه مالیات متوجه در ماده یک معاف خواهد بود

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - عرضی ندارم نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده هم عرضی ندارم نایب رئیس - آقای دامغانی

شریعت مدار دامغانی - عرضی ندارم

(بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست) نایب رئیس - پیش نهادت قرائت می شود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیش نهاد آقای مدرس - پیش نهاد می ماده هشتم بطریق ذیل نوشته شود:

اراضی و املاک بایره که بعد از اجرای این قانون شروع به آبادی یا تعمیر آن ها می شود تا ممیزی جدید بجز تادیه مالیات مذکور در ماده اول معاف خواهد بود

پیش نهاد شاهزاده محمد ولی میرزا پیش نهاد می کنم بجای ماده ۸ ماده ۹ لایحه ممیزی پیش نهادی کمیسیون دوره چهارم باشد

نایب رئیس - پیش نهاد شده که جلسه ختم شود

مخالفی نیست؟ جمعی از نمایندگان - غیر

نایب رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی یکشنبه

دستور بقیه شور در لایحه ممیزی آقای سردار عشایر (اجازه)

سردار عشایر - عرض بنده راجع به جواب فرمایش آقای آقاسید یعقوب بود

زیرا فرمایش ایشان لازم بجواب است سری که موی ندارد لازم بتراشیدن نیست خوبست ممیزی را واگذارند بمالکین که خود آنها با دولت قراری بدهند

نه اینکه آنها را مجبور کنند و بنده این قسمت را من باب تذکر عرض کردم و بنده مالکین را بهترین اشخص میدانم و خودم را راهم مکلف میدانم هر مالیاتی را که دولت معین کند دو برابر سه برابر هم معین کنند بپردازم و مطلع هستم و ملاکی را هم بهتر از بعضی کارهای بی شرفانه میدانم مقصودم این تذکر بود

نایب رئیس آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - خواستم عرض کنم یک پیش نهادی شده بود راجع بقانون نظام اجباری ولی در این بین یک چیزی را هم میخواستم عرض کنم که مسئله تنفس خیلی

طول میکشد هیئت رئیسه یک تصمیمی در باب تنفس بگیرند که این قدر طول نکشد و یک قسمت هم راجع بسوء تفاهمی که آقای سردار عشایر فرمودند

عرض کنم که حقیقاً از فرمایش ایشان تعجب کردم

معلوم است الاق ایشان اخلاق شهری نیست بنده نخواستم به ایشان ایراد کرده باشم به آقای وکیل الملک عرض کردم که بنده ملک ندارم

و ایشان ملک دارند و گمان نمی کردم که یک دفعه این طور واقع بشود و آقای سردار سردار عشایر را متذکر میکنم که این جامجلس شورای ملی است حرف زده می شود دعوا که با هم نداریم

نایب رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده پیش نهادی داده بودم به مقام محترم ریاست دائر به این که قانون نظام اجباری و قانون انجمن های بلدی جزء دستور شود

یک ماه دیگر بعمر کمیسیون ها بیشتر باقی نماند و این قوانینی را که اعاء کمیسیون زحمت کشیده اند و حاضر کرده اند انصاف نیست از بین برود و مرتبه کمیسیون ها تشکیل شود و از نو دوباره تجدید نظر کنند

این است که استدعا میکنم آن پیش نهاد بنده خوانده شود

نایب رئیس چون عده برای رای کافی نیست بر ماند برای بعد (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان

منشی - علی اقبال الممالک - منشی معظم السلطان

جلسه صدوسی و چهارم صورت مشروح مجلس

یوم یکشنبه یازدهم برج حوت ۱۳۰۳ مطابق پنجم شهر شعبان المعظم ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای مومن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس روز قبل را آقای میرزا جوادخان قرائت نمودند)

رئیس - آقای قائم مقام الملک (اجازه)

قائم مقام الملک - بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در صورت مجلس نوشته شده که در ماده ششم بنده مخالفت کرده و عرض کرده ام جریمه دو برابر گرفته

نشود درصورتیکه بنده مخالفتم از این راه بود که عرض کردم این جریمه را اگر از دهاتی که مالک در آنجا و قایم مقام نبود او باید بگری اظهار نامه را امضاء کرده است اگر از آن امضاء کننده میگیرند که او چیزی ندارد

اگر هم از مالک میخواهند بگیرند در صورتیکه خود او نبوده و فرضاد شیراز بودند و ملک او در اصفهان بوده و سؤالات اظهار نامه را هم او جواب نداده و امضاء کرده است

بر خلاف عدل است بنده عرض نکردم یک مقابل یا دو مقابل جریمه گرفته شود خوب است اصلاح شود که تولید اشکال نکند

رئیس - همینطور که تقریر کردید اصلاح میشود

دیگر در صورت مجلس اظهاری نیست؟ بعضی از نمایندگان خیر

رئیس - آقای قائم مقام الملک (اجازه)

قائم مقام الملک - اهالی کرگان رود تلگرافی میکنند بمجلس شورای ملی و از آقایان نمایندگان استمداد میکنند برای زحمتی که به آنها وارد آمده است

اخیراً گویا مالیه در آنجا تصمیم گرفته است که از هر جریبی دو تومان از املاک کیلان بگیرند و راجع به این مسئله شاید در شهر رشت آنقدرها اسباب زحمت نباشد ولی در اطراف رشت اسباب زحمت است

چون آنجا هایک جریب زمین پیش از پنج شش قوطی محصول نمیدهد ولی در رشت از بیست الی بیست و پنج قوطی شاید بیشتر هم محصول میدهد بنابراین استدعا کرده اند امر شود که یا بطوری که معمول بوده و یا بطور عشریه از آنها مالیات اخذ شود

و بنده هم خواستم نظریه آقایان را جلب کنم و استدعا کنم از طرف مجلس به وزارت مالیه امر شود که با آنها بطوری که معمول بوده رفتار کنند تا بعد مطابق هر قانونی که وضع شد با آنها معامله شود

رئیس - آقای اخگر از آقای وزیر فوائد عامه سؤالی داشتید بفرمائید

اخگر - راجع بمعین فیروزه نیشابور از قراریکه شهرت دارد در زمان استبداد تا شانزده هزار تومان

این معین به روم مجدداً سلطنته اجازه داده میشود و حالا از قرار مسموع بدو هزار تومان اجازه داده شده

بنابراین بنده خواستم از آقای وزیر فوائد عامه سوال کنم که آیا این شایعه

صحت دارد و باخر و اگر صحیح است چه موجباتی باعث شده است که این کسر وارد شود.

بعلاوه در صورتیکه اجازه صحیح است چه شده است که اعلان مزایده راجع به این مسئله در جرائد منتشر نشده است وزیر فواید عامه - قبل از این که تفصیل مطالب را عرض کنم ابتدا مجبورم نتیجه فرمایشات ایشان را تکذیب کنم اولاً معدن اجازه داده نشده است ثانیاً مزایده هم بعمل آمده است و بالتبع وقتی که معدن اجازه نشد دوهزار تومانی هم در بین نست اما تفصیل این است.

معادن نیرزه نیشابور و نیک امار او از اول حوت هزار و سیصد لغایت پنجسال شمسی از فرار سالی دوازده هزار تومانی بضمانت آقای قائم مقام التولیه بجای علی رضای تاجر فیروزه فروش اجازه داده شده است در اوایل امسال مشارالیه بواسطه شکست قیمت فیروزه در بازارهای فرنگستان و مدخله وزارت چلیه

مالیه در عمل مالیه سرچاه معدن از عمل اجازه داری مستثنی گردیده و ضامن مشارالیه هم از ضمانت استفاده کرده در نتیجه شکایات مستأجر حسب الامر آقای رئیس الوزراء در بیست و نهم جوزا کمیسیون در وزارت فواید عامه تشکیل شده و نتیجه آن کمیسیون این شده است که استغای مستأجر از اول برج سنبله قبول شده است

معدن هم بزایده گذارده شده است اعلان مزایده هم شده است و قرار هم شده است که پس از آنکه معدن بزایده گذارده شد نتیجه مزایده بمستأجر سابق اطلاع داده شود.

اگر خود او حاضر شد که همان اجازه را نانتجه مزایده قبول کند آنوقت با اضافه کرده اجازه آن مدتی که معدن تعطیل بوده است و سرشکن کردن باسقاط اجازه بندی تازه بخود او را گذار شود و اگر حاضر برای قبول اجازه نشد با توافق نظر وزارت مالیه راه حلی برای وصول مال الاجاره مدت مزبور از آن مستأجر سابق پیدا کنند

از سر زده هم بزبان هدا الحسنه اعلان مزایده منتشر شده است و بموجب تقاضای وزارت چلیه مالیه در اعلان مزایده قید شده است که مستأجری که پیدا خواهد شد برخلاف سابق حق مداخله در عمل مالیات سر معدن ندارد.

نتیجه مزایده یازده هزار تومانی شده است

مطلب بجای هلی رضای مستأجر سابق اخطار شده است مستأجر سابق برای قبول این اجازه در این مبلغ حاضر نشده است.

مطلب ثانیاً بوزارت مالیه مراجعه شده است و قرار شده است کمیسیون با حضور نمایندگان وزارت مالیه و فواید عامه تشکیل شود و در باب تقاضای مستأجر تصمیمی اتخاذ نکند آن کسی هم که در مزایده دارای حداکثر شده است فتح السلطنه همدانی است که در یازده هزار تومان طالب اجازه معدن فیروز نیشابور شده است

او هم فعلاً قبول نمی کند زیرا میگوید شرط حتمی اجازه این است که وصول مالیات سر معدن هم با مستأجر باشد چون وزارت مالیه این شرط را قبول نمی کند لذا معدن تا امروز در حال بی تکلیفی است مستأجری هم ندارد و یکسری هم اجازه داده نشده است که در دوهزار تومانی یا بیشتر داده شده باشد.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - از موضوع پیشنهادی که آقای مسعود الملک راجع برآه بندرجز کرده اند غالب آقایان نمایندگان معتمد مسبقه

این شخص با یک شوق زیادی برای گرفتن این امتیاز در دوره چهارم مجلس شورای ملی تهران آمده است و پیشنهاد خودش را داده است بکمیسیون مربوطه هم رفته و بالاخره تمام مراحل را سیر کرده بود که مجلس چهارم مقضی شد.

در مجلس پنجم هم باز مدتی که در تهران بوده همین پیشنهاد را تعقیب کرده است و از قرار معلوم گویا اهالی آنجا هم برای تشکیل شرکتی حاضر بوده اند که این راه را درست کنند و طریقه حمل و نقل را در آنجا تسهیل نمایند

این مسئله بکمیسیون فواید عامه آمد راپورت آنهم بمجلس شورای ملی داده شد بعد در این بین شنیده شد که یک قسمت نظریه در آن جلسه جلب نشده است.

در اینجا اظهار شد که شاید این قبیل مطابق کتیرات آقای رئیس کل مالیه در این قبیل امتیازات البته باید با ایشان شور شود

در اینجا اظهار شد که شاید این قبیل شور بعمل نیامده و این لایحه و سایر اوایی از این قبیل است.

همینطور در حال بلا تکلیفی باقی است

بنا بر این بنده از آقای وزیر فواید عامه شتوال می کنم که اگر در این لایحه شور نشده است خوب است لایحه را بر رئیس کل مالیه بدهند تا جلب نظر ایشان شده بعد به مجلس بیارند که دیگر تعطیل نداشته باشد و مجلس هم بزودی این قضیه را حل کند و این شخص ایرانی که می خواهد یک امتیازی بگیرد بیش از دوسه سال معطل نشود و البته آقایان نمایندگان معتمد هم راضی نخواهند شد که این شخص بیش از این معطل شود و اگر چنانچه با ایشان شور شده

است این راهم آقای وزیر فواید عامه اظهار بدادند تا بالاخره مجلس در این قسمت وارد شده و روی این قضیه کار بکنند و وقتاً مردی را تشویق کند که بروند کار بکنند

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

وزیر فواید عامه - اگر چه تا بحال ما بین وزارت فواید عامه و رئیس کل مالیه قراردادهائی که جریان کارها را بین وزارت فواید عامه و مالیه تأمین کنند بوده است و فقط در چندین قبیل در نتیجه مطالعات طرفین یعنی بنده و ایشان موفق شدیم که بالاخره یک قراردادی منعقد کنیم که در آن طرز جریان این قبیل مسائل قطعاً پیش بینی شده و بعدها دچار اشکال نشود و مضایب منجر بیک سوء تفاهاتی نشود.

درباب اصل این راه همانطور که آقای رهنما نمایند معتمد بیان فرمودند این امتیاز در دوره چهارم از کمیسیون مربوطه گذشته است.

ولی در اول دوره پنجم مجدداً برای مطالعه بوزارت فواید عامه مراجعه شده است

یعنی در تاریخ چهاردهم حمل ۱۳۰۳ راپورت کمیسیون فواید عامه دوره چهارم ثانیاً مراجعه شده اسباب بوزارت فواید عامه برای تجدید نظر مطابق در کمیته امتیازات ثانیاً تعین شور در آمده و یک مختصر اصلاحاتی هم در آن لایحه اولی بعمل آمده

در دوم سرطان ۱۳۰۴ در تحت ۲۱۱۷ مطلب برای جلب نظر آقای رئیس کل مالیه فرستاده شده است.

ایشان هم در دهم سرطان ۱۳۰۴ جواب داده اند و در اعتراض بر این امتیاز کرده اند.

اعتراض اولی ایشان این است که دادن این امتیاز منافی حق اسیوتی است که دادن در آن موقع بکمیانی یونی داده شده است اعتراض ثانی ایشان این است که کلیتاً دادن امتیازات مخصوصاً امتیاز راه سازی به اشخاص متفرقه خوب نیست و بهتر این است که راهها را خود دولت بسازد.

اعتراض اولی ایشان تا انقضای مدت اسیوتی کمیانی یونی کاملاً وارد بوده و صحیح هم هست

زیرا که دولت ایران در مقابل کمیانی یونی یک تقبلی کرده و بوده که نمیتوانست برخلاف آن رفتار کند

ولی اعتراض دومی ایشان اعتراض نظری است ممکن است صحیح باشد و ممکن است صحیح نباشد

ولی راجع بقسمت اول بهمین جهت بود که تا مدت انقضای اسیوتی کمیانی یونی مطلب در وزارت فواید عامه مسکوت

عنه مانده است

بسیج اقدامی هم در باب تعقیب معتمد و پیشنهاد کردن آن بمجلس شورای ملی نیامد

تا این که آن قسمت اعتراض را هم به اسیوتی کمیانی یونی مرتفع شده

مطلب دوم یعنی هم لزوم دادن امتیاز راه سازی متفرقه این یک مطلبی است نظر خود بنده هم در مواقع مختلفه بر این نمایندگان معتمد رساندم که خود هم کاملاً همین عقیده را دارا هستم و معتمد در باب راههای اصلی اساساً در نظر دارم که بهترین شقوق اینست که دولت را بسزد چرا؟

برای اینکه واگذار کردن امتیازات راه سازی به اشخاص متفرقه یک عیب دارد و آن این است که حتی الامکان دولت باید ساهی باشد که در راهها باج گرفته نشود و راهها از هر نوع تحمیلی آزاد باشد واز همین نقطه نظر است که در واگذاری راههای اصلی به اشخاص متفرقه باید خودداری کرد.

مگر اینکه در امتیازات یک ملاحظه قید شود که در هر موقع که دولت بخواهد حق باز خرید داشته باشد.

ولی این راه را بنده جزو راههای اصلی نمیدانم و از طرف دیگر هم میدانم که دولت باین زود بها شاید موفق نشود که تمام راهها را خودش بسازد باینجه با دادن امتیاز ساختن این قبیل راهها به اشخاص متفرقه با محفوظ ماندن حق باز خرید دولت موافقم و نظر کل رئیس مالیه را مطلقاً در این باب تصدیق ندارم

از طرف دیگر مطابق ماده ششم قانون کتیرات رئیس کل مالیه ایشان حق نظر در اعطای امتیازات دارند و این قسمت در کتیرات ایشان قید شده است اما نظر ایشان نظر شوروی است ممکن است ایشان موافقت داشته باشند در هر حال نظر ایشان شوروی است.

لذا بنده بعد از منقضی شدن مدت اسیوتی کمیانی یونی خورد را بحق دانستم که این امتیاز را تقدیم مجلس شورای ملی بکنم.

این خلاصه تمام اقداماتی بوده که تا بحال بعمل آمده است حالا آیا بقدر کافی است یا کافی نیست نمیدانم حقیقتاً اگر آقایان کافی میدانند که جزو دستور بگذارند.

اگر هم کافی نمی دانند و لازم است که باز هم اقداماتی بشود آن قسمت را هم آقایان مختارند.

برای اینکه از نقطه نظر بنده فرقی نمیکند زیرا که بای نحوکان حکمت و قضاوت قطعی در کارها با مجلس است و بهمین جهت است که لایحه بمجلس شورای ملی تقدیم

شد و البته مجلس شورای ملی در اتخاذ تصمیم قطعی مختار و مجاز است

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده در همین موضوع عارضی داشتم یک قسمت از عراض بنده را آقای وزیر فواید عامه فرمودند و میخواستم عرض کنم مجلس شورای ملی خودش یک کمیسیون انتخاب کرده است که اسمش کمیسیون اقتصادیات است و مدتی است در کارهای اقتصادی و عمومی کار میکند و با حضور آقای وزیر فواید عامه شور کردند و بالاخره باتفاق مصمم شدند و چنان بنظرشان آمد که مهم ترین چیزهای اقتصادی در ملک در درجه اول راه است.

لذا قریب دوماه است که در این باب کار میکنند و نقشه هائی هم حاضر کرده اند و تا هفته آتی امید است تمام شود

مجلس شورای ملی پیشنهاد بشود یک جمله را میخواستم عرض کنم که نتیجه کار در آن کمیسیون حاصل شده است این است که آن لایحه که بمجلس میآید اگر بگذرد تقریباً تمام راههای عمده مملکت توسط دولت ساخته میشود.

لذا بنده شخصاً می خواهم عقیده ام را عرض کنم که هیچ صلاح نیست دولت و مجلس شورای ملی امتیاز راه بکسی بدهند که باج راه از مردم بگیرند این در واقع یک موضوع داخلی است.

مثل معدن مس یا لفظ نیست یک کسی می خواهد یک راهی را بسازد و خرجی هم میکند و بعد باج میگیرد.

لذا این قسمت برای مملکت و مردم صلاح نیست که یک امتیازی در مدت مدیدی داده شود بکسی که فقط عایدات او از نقطه نظر باجی باشد که از مردم و معمولات مملکتی گرفته میشود

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

یک قسمت دیگر ایشان فرمودند که شاید در بعضی راههای فرعی دولت بزوری کاریاب نشود آنها را بسازد ولی اساساً بعقیده بنده خوب است.

آقایان تأمل بفرمایند تا آن نقشه وسیع و عملی که بسیار مفید است و زحمت زبادی در آن کشیده شده است از طرف کمیسیون اقتصادیات تقدیم مجلس بشود بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند وقتی که آن راپورت تقدیم شد.

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای مملکت بتوسط خود دولت باسانی ساخته میشود.

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس میرود و چطور میشود که بتعویق می افتد شاید اینطور

بنظرشان میآید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه برسد جلب نظریه ایشان اسباب تعویق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فواید عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوروی دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند و ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند.

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بین آقای وزیر فواید عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاً امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فواید عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز پانزده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یازده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نقیاً یا اثباتاً جواب بدهند.

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند خیر هیچ ربطی بایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوروی است.

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهند یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات بمجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند.

رئیس - آقای شرشکبک زاده (اجازه)

شرشکبک زاده - بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را در نظر بگیرم که در مجلس شده است.

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فواید عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی بفرمایند.

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بناه است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطالعه است مانع یک کار دیگری بدانیم یک طرحی هم آقای رهنما پیشنهاد کردند راجع بانحصار رفتن حلوباتی که پول آن باید خرج شمند سفر بشود.

بنابراین ما نباید راه بسازیم و امتیاز بدهیم تا اینکه این طرح بگذرد و ما مشغول کشیدن شمند فر شویم.

بنده گمان میکنم که نباید کارها را با هم مخلوط کرد.

کمیسیون اقتصادیات مشغول تهیه یک نقش وسیع و عملی است ولی هنوز راپورت آن که داده نشده و بنده هم در راپورتی که میچند داده بودند یکم که ذکر از راه بندر جزیرا مغان که مسعود الملک امتیاز آنرا می خواهد شده باشد بنابراین بنده تصور میکنم بهتر این است مجلس شورای ملی راجع باین امتیاز مذاکره اش را بکند و امتیازش را بدهد کمیسیون اقتصادیات هم در موقع راپورت خودش راپردهد.

بعضی از نمایندگان - وارد دستور می شویم.

رئیس - وارد دستور می شویم.

لا یحه قانون میبزی از ماده نهم مطرح است.

آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - همانطور که آن روز هم عرض کردم لایحه میبزی از ماده نهم مطرح است و این اشکالات مختصری بود که در این ماده بنظر بنده آمد و ممکن است در تحت پیشنهاد این هارا اصلاح کرد ولی یک اشکال اساسی دیگری در طرز اجرای این ماده هست و آن این است که در ماده دهم همین قانون مینویسد که این میبزی چه راجع باغنام واحشام و چه راجع به آب و زمین پنجسال به پنجسال مجری خواهد بود

بنده آن روز در کلیات هم اظهار عقیده کردم

ولی امروز چون در خود ماده مذاکره میشود بیشتر توضیح میدهم

این پنجسال را در مورد اغشام واحشام بنده نفهمیدم از روی چه مآخذ است فرض بفرمایید امروز نگذشته میبزی میبزی کند و اغشام واحشام آنها از تعداد کند و همین نماینده که این خانه ده تا گوسفند و خانه دیگر بیست گوسفند دیگری پنجاه تا دیگری صد تا گوسفند دارد و برای هر کدام هم گفت تا پنج رأس را معاف و مابقی را باید مالیات بدهید

و مثلاً از صد تا گوسفند پنج رأس را معاف کرد و از نود و پنج رأس مالیات یکساله نه تومان پنجقران گرفت

خیلی خوب آیا سال دوم و سوم و چهارم را از کی خواهند گرفت؟

بنده هر چه که فکر کردم نفهمیدم و حال آنکه ممکن است پس از گذشتن ده روز از این میبزی تمام آن گوسفندها دست رعیت باز اراغ مانده و بیک مکان دیگری ببرد و بفروشد

مثل اینکه الان چو بار هادسته دسته گوسفند می آورند بظهران و میفروشند آن وقت از کی مالیات سال بعد را میگیرند!

اگر بگویم مالیات هر پنجسال را از مالک اولی میگیریم که این برخلاف عدل انصاف است.

امسال یکدسته گوسفند داشته است مالیاتش را داده است

چهار سال دیگر چهار نه تومان و نیم

ممكن است بفرمایند آنگاه این که مالیات نوافل میدهند.

قبض دستشان است و هر وقت از آنها مطالبه کردند قبض نوافل را از آنها میدهند دیگر مأمورین وصول متعرض آنها نخواهند شد.

بنده خودم بتجربیه برآیم ثابت شده است که در هر جا که بکننران و دهشاهی دو قران یک کسی بول نوافل میدهد قبضش تا تاخانه اش نمی ماند و در بین راه دور می اندازد

شود وقتی که خلاص شد قبضش را هم دور می اندازد.

این اشکالات مختصری بود که در این ماده بنظر بنده آمد و ممکن است در تحت پیشنهاد این هارا اصلاح کرد ولی یک اشکال اساسی دیگری در طرز اجرای این ماده هست و آن این است که در ماده دهم همین قانون مینویسد که این میبزی چه راجع باغنام واحشام و چه راجع به آب و زمین پنجسال به پنجسال مجری خواهد بود

بنده آن روز در کلیات هم اظهار عقیده کردم

ولی امروز چون در خود ماده مذاکره میشود بیشتر توضیح میدهم

این پنجسال را در مورد اغشام واحشام بنده نفهمیدم از روی چه مآخذ است فرض بفرمایید امروز نگذشته میبزی میبزی کند و اغشام واحشام آنها از تعداد کند و همین نماینده که این خانه ده تا گوسفند و خانه دیگر بیست گوسفند دیگری پنجاه تا دیگری صد تا گوسفند دارد و برای هر کدام هم گفت تا پنج رأس را معاف و مابقی را باید مالیات بدهید

و مثلاً از صد تا گوسفند پنج رأس را معاف کرد و از نود و پنج رأس مالیات یکساله نه تومان پنجقران گرفت

خیلی خوب آیا سال دوم و سوم و چهارم را از کی خواهند گرفت؟

بنده هر چه که فکر کردم نفهمیدم و حال آنکه ممکن است پس از گذشتن ده روز از این میبزی تمام آن گوسفندها دست رعیت باز اراغ مانده و بیک مکان دیگری ببرد و بفروشد

مثل اینکه الان چو بار هادسته دسته گوسفند می آورند بظهران و میفروشند آن وقت از کی مالیات سال بعد را میگیرند!

اگر بگویم مالیات هر پنجسال را از مالک اولی میگیریم که این برخلاف عدل انصاف است.

امسال یکدسته گوسفند داشته است مالیاتش را داده است

چهار سال دیگر چهار نه تومان و نیم

ضرر است
گر هم بگوئیم که در موقع هر فروشی
بباید در شهر یا جاهای دیگر با اداره مالیه
خبر بدهد و در آنجاها دفاتر و ادارات
مالیه تشکیل شود بالاخره نتیجه این میشود
که در هر يك از قراء و قصبات و دهات يك
دفتر سجل احوال برای كوسفند باز شود
و این بالطبع غیر ممکن است.
بنده هر چه فكر كردم در پنجسال
نغمه‌مید چه مقصود است نمی گویم
البته باید بگیرند
ولی عرض میکنم چهار سال دیگر
را از کی میگیرند؟
این اشکال برای خود بنده وارد
است.
واقفاً اگر آقایان از بنده سؤال کنند
که چه باید کرد هر چه فكر كردم عقلم
بجائی نرسید که چه باید کرد از آنطرف
هم اگر بگوئیم هر سال این مالیات را برونند
بگیرند البته این اشکال وارد نخواهد بود
زیرا ممکن است هر سال برونند آبادی
اغنام واحشام آرد نه را احصایه بکنند و
مالیات از او بگیرند
ولی این مسئله هم مستلزم يك خرج
زیادی است برای دولت که هر سال دسته
بدسته مأمورین مالیه توی آبادی ها برونند
و ممیزی واحصایه حیوانات را بکنند.
البته این هم مستلزم مخرج زیادی برای
دولت است و هم اسباب اشکال است برای
رعیت که هر سال دسته بدسته توی آبادی
بروند.

شیروانی - پس نگیرند
وکیل الملک - عقیده شخص بنده
این است.
(همینطور که آقای شیروانی فرمودند
پس نگیرند)
عقیده شخص بنده این است که نگیرند
نه اینکه عرض کنم این رعیت بقران
برای يك كوسفند بنده اشکال دارد خیر
اشکالی ندارد
اگر چه كوسفند هم داشته قران داد
هیچ اشکالی نیست ولی بنده بعضی چیزها
بتجربه بر اینم ثابت شده
(امیدوارم در آتی با جدیت مسیون
محترم آمریکائی این ترتیبات مرتفع شود)
و تا بجال خیلی از آنها رفع شده است و آن
این است که بنده می بینم بر يك رعیتی يك
عوارضی وارد شده مأمور از طرف مالیه می
رود و خیلی بیشتر از آنچه باید از او بگیرد
یعنی دوسه مقابل از رعیت میگیرند بنده
جرات نمیکنم عرض کنم عرض کنم ده
مقابل ولی دوسه مقابل حتماً برایش تمام
می شود
بعلاوه اگر عرض کنم این مالیات را
نگیرند ضرری بنده با آقای شیروانی نمی
رسد
نظرم این است که امروز ملاحظه

طهران را بکنند که در توی دست ویای
مردم چهارتا اسکناس بانك هست در ابالات
و ولایات مخصوصاً در رهات جنسی مسكوك
انگلی نمانده است از كردستان بن كاغذ نوشته
اند.
يك رعیتی که سه تومان مالیات پایش
بوده نتوانسته بدهد
مأمور رفته است و بمأمور گفته است
گاو میخواستی الاغ میخواستی حاضر است
روغن و كشك میخواستی حاضر است ولی
پول ندارم
این را بنده یقیناً و بدون تردید عرض
كردم و عقیده بنده این است که این لایحه
لا یحه ممیزی آب و خاک است خوبست اقلاً
يك سال مالیات اغنام واحشام فرجه بدهیم
اولاً به بنیم کلبه مالیات املاک چقدر میشود
ثانیاً بالطبع انتظام مالیه روز بروز بیشتر
میشود و كوسفندی از حالا بهتر می شود و
همانطور که عرض كردم بزرگترین مانع
که امروز هست
کم بودن پول است چون این مالیات
را از روی اصول اسلامی هم نگرفته است که
بگویند عین كوسفند یا شتر را بدهند و این
بواسطه نبودن پول است مخصوصاً در دهات
سرحدی که جنس مسكوك نایاب است عقیده
بنده این است که برای اینکه احتراز از این
اشکالات بشود
اولاً در ظرف يك سال مهلت بدهند
شاید يك قدری فقر اقتصادی این مملکت
بر طرف شود پولی هم توی دست و پا
یافتند و ثانیاً يك تخمینی از عایدات آب و
زمین هم دست ما آمده باشد و ثالثاً ممکن
است قانون احصایه و خیلی چیزهای دیگر
که نوشته اند و مربوط باین ممیزی است از
مجلس بگذرد
بعد براینكار يك ترتیبی داده شود
لهذا اگر عقیده خودم را میخواهید این
است که این مالیات
گرفته نشود.

ولی از آنطرف بنده خیلی منكر
نیستم اگر مجلس و دولت اصرار داشت
که این مالیات را بگیرند بترتیبی گرفت
که اشکال وارد نشود و اگر پنج سال به پنجسال
بخواهند این مالیات را بگیرند هیچ ممکن
نیست
زیرا همانطور که عرض كردم مثلاً
اگر در سال اول در يك آبادی یا نصد
كوسفند بود پنجاه تومان گرفته نممكن
است بعد از دو ماه تمام این كوسفند
ها بفروش رفته باشد و سال دیگر يك
كوسفند در آنجا نباشد آنوقت از کی
خواهند گرفت و مسئولش کیست؟
اگر هم بگوئیم يكسال بيكسال البته
اشکال اولی منتفع میشود ولی از آنطرف
دو عیب پیدا میکند یکی با وضع حالیه که
در هر آبادی در اول سال يك دسته از مأمورین
بایك دسته از قشون از خانه بغاه برونند
برای رعیت اسباب زحمت است و دیگر
اینکه برای دولت خرج فوق العاده پیش
می آید.
بنده برای تذکر عرض كردم که
آقایان نمایندگان مخصوصاً كمیسیون
قوانین مالیه این موضوع را در نظر
بگیرند و فكري در شور دوم برای این
كار بکنند.
گرچه بنده بیشتر از آن می خواستم
عرض کنم و یاد داشت های دیگری هم
كرده بودم ولی چون می بینم آقایان
دیگر می خواهند در این ماده اظهار عقیده
بکنند.
لهذا بنده بیشتر از این تصدیع نخواهم
داد و امیدوارم اگر اشکالات دیگری
هم دارد آقایان در نظر بگیرند و اصلاح
بکنند.
رئیس شاهزاده محمود ولی میرزا
(اجازه)
(حاضر نبودند)
شیروانی - موافق باید حرف بزند
بنده موافقم.
رئیس - در کلیات نوشته اید.
آقای عماد السلطنه
(اجازه)
عماد السلطنه - بنده خودم هم با این
قانون موافق نیستم و انتظارم هم این است
که پس از اینکه پیشنهادات در شور
اول داده شد در کمیسیون برای شور دوم يك
مواد مرتبی حاضر بشود که رفع نگرانی
غالب آقایان بشود.
يك نفر از نمایندگان انشاء الله
عماد السلطنه - ولی اتفاقاً با این ماده
موافقم و در این يك ماده در کمیسیون
خیلی دقت شد حالا راجع باعتباری که
آقای وکیل الملک فرمودند يك قسمت
اصلاح عبارتی بود راجع بمراع و
چرا گاه.
این يك حرفی است ولی راجع بمقایسه
هائی که فرمودند وارد نیست
شتر را با مادیان بهیچ وجه من الوجوه
نمی شود مقایسه كرد برای اینکه مادیان يك
مغارجی دارد که شتر آن مغارج را ندارد
عایدی شتر و مادیان را هم باز نمی شود طرف
مقایسه قرار داد.
يك قسمت ایراد اساسی آقای
وکیل الملک راجع باین بود که بعد از آنکه
ممیزی كردیم اگر اتفاقاً سال بعد مالک این
كوسفنده ا را فروخت
یا اینکه فاقد آن كوسفند شد تكلیف
چیست.
این اعتراض تا درجه وارد است
ولی از آنطرف هم ممكن است يك نفری
که یا نصد كوسفند داشته باشد در سال پنجم
یا نصد كوسفندش لا اقل دوهزار تا میشود
این هم هست پس این را نمیتوان يك ترتیبی

برایش بیش بینی كرد و از آنطرف برای
اشخاص خورده باور عایا هم يك مقدار
در هر يك از اینها مستثنی شده است.
از شتر وجه از مادیان وجه از اسب چه
قاطر چه از كوسفند از كلبه این اقسام
احشام برای اشخاص ضعیف كوسفندی مستثنی
شده است باقی می ماند يك اشخاصی که
دارای عمده هستند آنها هم يك اشخاصی نیستند
که بتوانند اصلاً كوسفند خودشان را بفروشند
و علاوه برای اینکه بكلی و بهیچ وجه من الوجوه
برای آقایان اشكالی باقی نمانده ممكن است
يك تبصره هم پیشنهاد کنند.
در کمیسیون هم قبول خواهد شد
که در صورتی که يك نفر بواسطه يك كار
یا فروش یا علل دیگر كوسفندش بكلی از
بین رفت
آنوقت با اداره مالیه محل اطلاع بدهد
اداره مالیه بعد از آنکه تحقیق كرد
فهمید که كوسفند ندارد معافش بنادرد.
سایر اعتراضات هم تصور نمیکنم وارد
باشد برای اینکه بطوریکه در این ماده
تعیین شده است این مالیاتها با اشخاصی تعلق
میگیرد که از یکی و دوتا و سه تا چهار
متجاوز داشته باشد و بستر دارهای عمده
یعنی آن کسانی که صد شتر و هزار شتر
دارند و اشخاصی که مثلاً پنجاه شتر كوسفند
دارند تعلق میگیرد و برای ضعیفان فقرانیست
و بعضی از آقایان ایراد میگردند که
زیاد موضوع کرده اند و برای يك خانوار
دو گاو شیره موضوع کرده اند
در این صورت اصلاً گاو شیره
مالیاتش وجود خارجی پیدا نخواهد کرد
برای اینکه هیچ خانواری بیش از دو گاو
شیر د ندارد
رئیس - آقای ضیاء الملک نوبت خودشان
را تقویض کرده اند با آقای مدرس
مدرس - اساس این قانون ماده اول
و این ماده
ماده اول متعلق بآب و مالک بود
ماده هم متعلق بمواشی و اغنام است که بجز
از چیزهائی است که حتماً باید در این مملکت
مالیات بدهند و لکن من گمان نمیکنم این
ماده که کمیسیون ترتیب داده اند
(حالا پیشنهادی دولت هم بوده است)
یا نبوده است)
هم نقص دارد و هم زیادی دارد
از فلسفه بیرون است و من يك ماده پیشنهاد
كرده ام که بعد تقدیم مقام ریاست میكند
لیکن بجهت اینکه ذهن آقایان حاضر
بشود از برای این عرایضی که میكنم
بعد انشاء الله الرحمن در کمیسیون تأمل
بفرمایند اگر صحیح است انشاء الله تبارک
شود اینست که پیشنهاد را میخوانم
مالیات مواشی بقرار ذیل تعلق
گیرد.
شتر ماده زائیده قران مادیان زائیده

پنچقران
تبصره اول - الكین حیوانات از پرداخت
مالیات عمده حیوانات ذیل معافند:
گاو و گاو میش زائیده برای يك خانواده
دو نفر - بز و میش زائیده پنج نفر
تبصره دوم (آقای وکیل الملک توجه
بفرمایند)
کیفیت مالیات حیوانات شتر مادیان
بز و میش، گاو و گاو میش، در وقت ممیزی
و گرفتن هر ساله نسبت به حیوانات فوق و
مالکین در هر دهی و قریه و طایفه جمعی
خواهد بود نه فردی.
عرض کنم خدمت آقایان اولاً تأمل
بفرمایند فلسفه مالیات از عایدات است
(بعضی از نمایندگان صحیح است)
بز و میش که مالیات میدهد برای
عایدتیش است عایدی یعنی میزاید بچه
دارد شیر میدهد اگر نر باشد و زائیده باید
مالیات بدهد چون بز است!
سایر اعتراضات هم تصور نمیکنم وارد
باشد برای اینکه بطوریکه در این ماده
تعیین شده است این مالیاتها با اشخاصی تعلق
میگیرد که از یکی و دوتا و سه تا چهار
متجاوز داشته باشد و بستر دارهای عمده
یعنی آن کسانی که صد شتر و هزار شتر
دارند و اشخاصی که مثلاً پنجاه شتر كوسفند
دارند تعلق میگیرد و برای ضعیفان فقرانیست
و بعضی از آقایان ایراد میگردند که
زیاد موضوع کرده اند و برای يك خانوار
دو گاو شیره موضوع کرده اند
در این صورت اصلاً گاو شیره
مالیاتش وجود خارجی پیدا نخواهد کرد
برای اینکه هیچ خانواری بیش از دو گاو
شیر د ندارد
رئیس - آقای ضیاء الملک نوبت خودشان
را تقویض کرده اند با آقای مدرس
مدرس - اساس این قانون ماده اول
و این ماده
ماده اول متعلق بآب و مالک بود
ماده هم متعلق بمواشی و اغنام است که بجز
از چیزهائی است که حتماً باید در این مملکت
مالیات بدهند و لکن من گمان نمیکنم این
ماده که کمیسیون ترتیب داده اند
(حالا پیشنهادی دولت هم بوده است)
یا نبوده است)
هم نقص دارد و هم زیادی دارد
از فلسفه بیرون است و من يك ماده پیشنهاد
كرده ام که بعد تقدیم مقام ریاست میكند
لیکن بجهت اینکه ذهن آقایان حاضر
بشود از برای این عرایضی که میكنم
بعد انشاء الله الرحمن در کمیسیون تأمل
بفرمایند اگر صحیح است انشاء الله تبارک
شود اینست که پیشنهاد را میخوانم
مالیات مواشی بقرار ذیل تعلق
گیرد.

مالیات میدهد اینهم مادیان
اما اسب چرا مالیات بدهد
پس عصای من را هم مالیات بدهند
چون بآن تکیه میکنم اسب را هم چون
بدرشکه می بندند یا بارش میکنند یا یکی
از ما با اتفاق سوارش میشود.
آخر اسب بچه حساب مالیات بدهد؟
پس فلسفه را تغییر بدهید و بگوئید هر چه می
چند مالیات بدهد و لکن وقتی مالیات بر
عایدات است بچه حساب مالیات بدهد؟
در هیچ عسیره است مالیات ندارد.
(آقای صولت الدوله وصولت السلطنه
اهل عشیره هستند پیر سید)
اسب مالیات ندارد.
آقای صولت الدوله شاید بدهد ولی
ولی فلسفتاً خودشان تصدیق دارند که اسب
مالیات ندارد.
صولت الدوله - خیر ندارد
مدرس و آنچه مداخل ندارد مالیات
ندارد.
اسب یا بابو یا قاطر را یا بار می کنند
یا بدرشکه می بندند یا سوار میشوند.
منافع و مداخلی ندارد و از لوازم
زندگی است فلسفه ندارد مالیات گرفتن از
اسب الاغ در ایران چه معل اعرابی دارد؟
بفرمایند؟
الاغ اسباب رعیتی است.
در مملکت ایران که ماشین نیست.
اسب رعیتی است چه ماده اش چه
نرش.
هر كس يك تكه ملك -
دارد يك الاغ نگاه میدارد که خاک بکشد
یا بار را از توی خرمن بیارد توی ده و اگر
چهار یا دار است یا اتفاقاً اسباب هم دارد و
با آن بار میكشد
آنوقت عوضش مالیات نواقل میدهد
معادل قیمت خودش نواقل میدهد دیگر چرا
مالیات بدهد؟ اینهم فلسفه ندارد.
عقیده من اگر آقایان اینرا قبول
دارند که مالیات را میخواهند از عایدات
بگیرند
زیرا هر دوسال يك كره میدهد.
شیر شتر که در ایران نخوردند پنجم هم
غیر از سال اول سال دیگر هم میدهد مگر
سال پنجم و چهارم آنها هم بقدرم هارش بیشتر
نمیشود.
پس شتر ماده که فقط دوسال يك كدهمه
يك بچه میزاید دوساله که شد بیست تومان
ببازرد سالی يك تون.
ده تا كوسفند هم همین فلسفه را دارد.
یعنی يك ستر مطابق ده كوسفند است
مادیان هم شیرشان میخورند.
مداخلش گرامش است.
یا قاطر میزاید یا بابو یا اسب.
سال اول که زائیده شد پنج تومان
بیشتر میبازرد.
سه سال که گذشت میفروشد بیست
تومان بقدر پنج تا كوسفند یعنی پنجقرانهم

مرفوبند
لکن جنش اینطور بوده است این
چرا مالیات بدهد؟
همینقدر که داده شد باید مالیات
بدهد؟
اینکه تمیز باید مثل اسب است مداخل
ندارد دلیلش چیست که مالیات بدهد و
همچنین بز و میش زائیده گاو و گاو میش
زائیده.
توی قانون کار میش ندارد و اینرا به
وضوح وا گذارده اند ولی در ایران دوسه
قطعه اش هست که گاو میش زیاد دارد آن هم
معلق بگاو است
و این مبلغی هم که معین شده است گمان
میکنم خارج از عدالت نیست که شتر يك تومان
یعنی مطابق ده كوسفند باشد
مادیان هم پنج قران که پنج كوسفند
باشد.
بز و میش هم یکی و اما در نظر بعضی
هست که میش و بز فرق دارد
بلی مرتعی که قشقای دارد هم قابل بز
است و هم قابل میش فرق نمیکنند
اما قطعات ایران مختلف است بعضی
جاها می شود بز نگاه داشت میش نمیشود
بعضی جاها میش می شود نگاه داشت بجهت
اینکه میش لطیف تر است و نگاه داریش
سخت تر است و بز نمی شود نگاه داشت فرق
گذاشتن آن اسباب زحمت میشود
در بلوچستان (از کرمانیا هم میرسم)
میش دارد؟
سر دار نصر ث - خیر
مدرس - در مازندران نه بز دارند
نه میش
يك چیزهائی دارند که میانه حال است
نه بز تراست نه میش میش
يكجا مرغز دارند.
جاهای ایران مختلف است و نباید فرق
گذارید با ملاحظه مجموع من حیث المجموع
را كرد.
يك جائی است که بز هم بقدر میش
مداخل دارد چرا؟
برای اینکه هوای آنجا مساعد است و
لذا بنده
فرق نگذاشتم و گمان میکنم آقایان
اعضاء کمیسیون حتی آقای عماد السلطنه
تامل بفرمایند
که يك نفر سهولتی هم در كار هست و باید
در مالیات نظر انداخت که در وقت ممیزی و
در وقت گرفتن مالیات سهولت در كار
باشد.
آقای عماد السلطنه میفرمایند زود
خبر بامین مایه بدهد
زود زود يك شعری در قرارداد گفته
بودند بی مناسبت نیست. قرارداد كذا.
این شبانان گرگ را بر کله مهمان می کنند
هر روز خبر بامین مایه بدهند بیا و بین و
بشمار دبستان و پرو

اگر بخواهند يك امینی از مالیه بیآورند و
تحقیق کنند زحمت و مقدماتش هم بر مأمور
دولت و هم بر صاحبان آنها توری است که آن
شخص اصلاً نرسیده مالیات را میدهد و مواشی
نمی شود که بیاید تحقیق نمایند که پول نفتیش
بدهد و متخارج مسافرت را هم بدهد برای این
که چهار تا بز و ده
طریق گرفتن مالیات و ممیزی چه در
املاک و چه در حیوانات يك قسمتی باشد که
سهل باشد
لهذا بنده يك تبصره اینجا عرض
كردم این راهم عرض میکنم که در کمیسیون
ملفت بشوند.
عقیده من در حیوانات نسبت باین پنج
قسم شتر.
مادیان گاو و بز و میش جمعی است نه
فردی یعنی نسبت بمالکین جمعی است.
نه فردی یعنی نسبت بمالکین جمعی
است نه فردی یعنی چه؟ یعنی می آیم توی
این ده می گوئیم آقا شتر مالیات بده چند
تا دارد؟
من میمیزم رفته ام توی ده میگویم شتر
ماده که میزاید چند تا دارد؟
ده تا مادیان چند تا دارد؟ پنج تا گاو
چند تا دارد؟
هشت تا گوسفند چند تا؟ صد تا اینها را
می شمارم سر جمعه را معین می كنم که این
ده صد تومان مالیات مواشی است. مفتش
این را توی دفتر می نویسد و
میرود.
سال دیگر که تحصیل دار می آید صد
تومان مالیات حیوانات می خواهد در این
ده كوسفندهایشان مرده است.
مثلاً شتر آقای وکیل الملک مرده است
يكی مادیانش عوض شده يكی گاو ش زیاد
شده.
اینها تغییر و تبدیل میکنند در این
صورت اگر بطوری که آقایان میگویند
باسم مالك شخصی نوشته شود همیشه تماش
در درس و زحمت است و مرارت.
اما من ده تا شتر داشتم ده تومان یا
چهار تا مادیان دیگری صد كوسفند داشته
ده تومان.
مثلاً روی هم هفته بیست و پنج تومان
مالیات ده آقای ضیاء الملک است آنوقت
يكسال که گذشت شتر رفت و هزار كوسفند
زیاد شد باز همان است یا فرضاً هزار تا
كوسفند یا سال داشتم كوسفندی يكقران
می افتاده ام سال زیاد شده كوسفندی نه صد
دینار می افتد کمتر شده كوسفندی بكر بال
میشود تا ممیزی جدید.
يك ماده هم در این قانون دارد که اگر
عده آنها بنصف رسید آن وقت چون ضرر
ضرر فاحش است باید اطلاع داد
و متحمل خسارت مالیه شد چون ضرر عمده
رسیده است.
اما تا ضرر عمده نرسیده ترقی كند

صدتومان است و نازل هم کنده مان صدتومان است یکوقت ممکن است گوسفند خیلی زیاد بشود شاید گوسفندی ده شاهی بشود و شاید خدای نخواستہ بکفتری از گوسفند بیبرد و گوسفندی سی شاهی بشود یا اینکه برعده گاوها افزوده شود .

پس این مالیات جمعی خواهد بود نسبت به حیوانات و نسبت بده لهداعرض کردم این عبارت معنیاش این است که اگر خواستند رد کنند دانسته رد کنند :

کیفیت مالیات حیوانات در وقت ممیزی و گرفتن هر ساله نسبت به حیوانات فوق الذکر و مالکین در هر محل و قریه و طایفه جمعی خواهد بود نه فردی مثل فرض بفرمایند که رفتند و ایل قشقای را که ده تیره است ممیزی کردند و مالیات آن سالی بیست هزار تومان شد آنوقت تیره به تیره ممیزی می کنند .

مثلا رفتند تیره دره شوروی را ممیزی کردند و پنج هزار تومان مالیات آنها شد سال دیگر آقای صولت الدوله محصل میفرستند که پنج هزار تومان را بدهید .

شاید با سال که ممیزی کردند من صاحب هزار گوسفند بودم و امسال صدتای آن مرد ونهصد رأس شد یا یکی دیگر هزار تا داشته و هزار دو سوت تا شده یکی صد بز داشته یکی گوسفند داشته . یکی شترش زیاد شده و گوسفندش کم شده است محصل بانها می گوید من پنج هزار تومان را می خواهم آنوقت که خدا در پیش سفید آن می نشیند و مطابق این قانون سهم بندی میکنند .

ممکن است یکسال به شتری نه قران یا هشت قران مالیات بفتند و یکسال دوازده قران بفتند این همین طور است تا ممیزی جدید آلا اگر بخواهند نسبت به مالکی فردی بگیرند آنوقت همانطور که خراسانی ها میگویند استخوان چی چی ؟

شیخ الرئیس - استخوان پولی است .

هدرس - بلی استخوان پولی میشود و شاید اصلش اینطور بوده است که یک کسی بگرفتگی گوسفندی داشته است ولی حال اینکه دوز است میگویند مالیات گوسفند را بده میگوید بابا من بیته دوزم جواب میدهند که جدت در وقت ممیزی گوسفند داشته است

بنده متقدم که برای جلوگیری از این زحمت مالیات نسبت به حیوانات جمعی باشد یعنی شتر و گوسفند و مادیان و گاو تمام اینها روی هم باشد و نسبت به مالکین هر دهی هم جمعی باشد نه فردی . این است عرایض من .

حالا که کمیسیون آنها را محل توجه قرار دادند همی سعادت بنده را اگر محل توجه

قرار ندادند که هیچ جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود . (مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای یاسائی - بنده اصلاح ماده نهم را باین نحو پیشنهاد میکنم که مالیات مراعی و مواشی بقرار ذیل تعلق میگردد .

شتر علاوه به سه سال ده قران . مادیان و اسب و قاطر سه قران و گوسفند بز و میش علاوه بیک سال ده شاهی الاغ یکقران گاو شیرده دو قران و هردو بصره حذف شود .

پیشنهاد آقایان آقاسید یعقوب و آقا سید محیی الدین ما امضا کنندگان پیشنهاد میکنیم که مالیات حیوانات مختص بایلات باشد و ده نشین و شهر نشین از این مالیات معاف باشند .

رئیس - چون پیشنهادها زیاد است اجازه میفرمائید بکمیسیون مراجعه شود .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - ماده دهم . (شرح ذیل خوانده شد)

ماده دهم - مالیاتی که مطابق مواد این قانون برای هر ملک تشخیص داده میشود تا پنج سال مدرک قانونی مالیات خواهد بود .

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - راجع به ممیزی ارقام واحشام عرض کردم که پنج سال زیاد است ولی برای آب و زمین عقیده بنده این است که پنج سال کم است و اگر ده سال بشود در این باب یک پیشنهادی هم تقدیم خواهم کرد .

رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده هم مخالفم .

رئیس - موافقی ندارد ؟ (اظهاری نشد)

آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بعقیده بنده هم پنج سال فوق العاده کم است و نتیجه این می شود که ممیزین مرتبه اول و دوم یکمرتبه توأم وارد یکدهم بشوند و بهش این است که مدترا اقلاده سال قرار بدهند .

بعضی از نمایندگان مسداکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود . (چند فقره پیشنهاد - شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا میرزا جوادخان - بنده پیشنهاد میکنم ماده دهم باین ترتیب اصلاح شود .

مالیاتی که مطابق مواد این قانون برای هر ملک تشخیص داده می شود تا ده سال مدرک قانونی مالیات خواهد بود .

پیشنهاد آقای یاسائی - بنده اصلاح ماده دهم را بنحو ذیل پیشنهاد میکنم .

ماده دهم - مالیاتی که مطابق مواد این قانون برای هر ملک تشخیص داده میشود مادامیکه تجدید نظر در این قانون نشده مدرک قانونی مالیات خواهد بود .

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد می کنم . در ماده دهم بجای ده سال نوشته شود .

پیشنهاد آقای مدبر الملک - بنده پیشنهاد میکنم مدت ممیزی در ماده ده بیست سال باشد .

پیشنهاد آقای میرزا بدالله خان بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم کلمه پنج سال حذف و بیست سال نوشته شود .

پیشنهاد آقای وکیل الملک - پیشنهاد می کنم در ماده دهم بجای پنج سال ده سال نوشته شود .

پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس - پیشنهاد می کنم در مواشی چهار سال و در املاک هفت سال نوشته شود .

آقایان آقاسید یعقوب و آقا سید محیی الدین - بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم اصلاح شود .

مالیات زراعت و جنگل و مراتع ده سال و نسبت به حیوانات مالیات جمعی مختص بایلات پنج سال تجدید می شود .

رئیس - ماده یازدهم . (شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - در موقع بروز آفت بملک یا محصول یا حیوان میری که در نتیجه آن میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق میگیرد معادل یا بیش از نصف میزان مشخصه دچار خسارت بشود وزارت مالیه میتواند بنسبت خسارت وارده از مالیات تخفیف دهد

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در این ماده نوشته شده است و نسبت به خسارت وارده میتواند تخفیف بدهد معنیاش این است که اگر دلش نخواست نمیدهد .

دیگر اینکه نوشته شده است در موقع بروز آفت بملک یا محصول یا حیوان میری که در نتیجه آن میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق میگیرد معادل یا بیش از نصف شد آنوقت مالک حق دارد تقاضای ممیزی کند و اداره مالیه هم مکلف است که آنجا را باز دید نماید .

ملاحظه فرمایند در اینجا صد خروار محصول بملک ملکی است و موافق این ماده

کازرفی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - در قانون معاسبات عمومی نوشته شده است : کسی که مالیاتی را بگیرد اینکه قانونی برایش وضع شده باشد در حکم مختلس اموال دولت محسوب است در اینجا مینویسد (بدون اجازه وزارت مالیه) مقصود از این اجازه چیست .

اگر مقصود مأمورین وزارت مالیه که اجازه اختتام مالیات را دارند و همچو چیزی سابقه ندارد که مادر قانون ممیزی این مطلب را بنویسیم .

بنابر این بنده این ماده را زیاد میدانم و باید نوشته شود که برخلاف قانون مالیات بگیرند زیرا اگر وزارت مالیه اجازه داد مالیات خلاف قانونی گرفته شود آیا میتوانند بگیرند؟ بنابر این بنده این ماده را در اینجا زیاد میدانم .

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - هر ملکی از کلیه عوارضات معاف است .

پیشنهاد آقای امیر حشمت - بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه خانواری سر باز بنیچه نوشته شود

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم در ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود :

هر آب و ملکی الی آخر پیشنهاد آقای مشیر معظم - بنده پیشنهاد میکنم ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود :

هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانواری و میرایی و مالیات نقد و جنس که بعنوان حق آب و رودخانه و سایر عوارض که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

رئیس - پیشنهاد می کنم (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازدهم هم این نوع اصلاح شود :

بدون اجازه وزارت مالیه .

رئیس - ماده سیزدهم (باین مضمون قرائت شد)

ماده ۱۳ هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارضی که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

پیشنهاد آقای هادی شیخ الرئیس - بنده پیشنهاد میکنم کلمه مصرحاً از ماده سیزدهم حذف شود .

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده سیزدهم این نوع اصلاح شود :

هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارضی که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در این ماده نوشته شده است هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارضی که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

سرانه و خانوار را از ملک که نمیگیرند بلکه از رعیت میگیرند و باید کلمه رعیت اضافه شود دیگر اینکه در اینجا نمی فهمم که مقصود از عوارض چیست . اگر عوارض است که خود دولت میخواهد بگیرند این یک چیزی است و اگر مقصود از عوارض قرارداد های بین مالک و رعیت است مثلا حق البرقع یا چیز دیگر اینها جایز است اینجا نیست و در این باب پیشنهادی هم تقدیم کرده ام .

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . بعضی گفتند کافی نیست)

کازرفی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - در قانون معاسبات عمومی نوشته شده است : کسی که مالیاتی را بگیرد اینکه قانونی برایش وضع شده باشد در حکم مختلس اموال دولت محسوب است در اینجا مینویسد (بدون اجازه وزارت مالیه) مقصود از این اجازه چیست .

اگر مقصود مأمورین وزارت مالیه که اجازه اختتام مالیات را دارند و همچو چیزی سابقه ندارد که مادر قانون ممیزی این مطلب را بنویسیم .

بنابر این بنده این ماده را زیاد میدانم و باید نوشته شود که برخلاف قانون مالیات بگیرند زیرا اگر وزارت مالیه اجازه داد مالیات خلاف قانونی گرفته شود آیا میتوانند بگیرند؟ بنابر این بنده این ماده را در اینجا زیاد میدانم .

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - هر ملکی از کلیه عوارضات معاف است .

پیشنهاد آقای امیر حشمت - بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه خانواری سر باز بنیچه نوشته شود

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم در ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود :

هر آب و ملکی الی آخر پیشنهاد آقای مشیر معظم - بنده پیشنهاد میکنم ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود :

هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانواری و میرایی و مالیات نقد و جنس که بعنوان حق آب و رودخانه و سایر عوارض که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

رئیس - پیشنهاد می کنم (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازدهم هم این نوع اصلاح شود :

بدون اجازه وزارت مالیه .

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در این ماده نوشته شده است هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارضی که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

سرانه و خانوار را از ملک که نمیگیرند بلکه از رعیت میگیرند و باید کلمه رعیت اضافه شود دیگر اینکه در اینجا نمی فهمم که مقصود از عوارض چیست . اگر عوارض است که خود دولت میخواهد بگیرند این یک چیزی است و اگر مقصود از عوارض قرارداد های بین مالک و رعیت است مثلا حق البرقع یا چیز دیگر اینها جایز است اینجا نیست و در این باب پیشنهادی هم تقدیم کرده ام .

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . بعضی گفتند کافی نیست)

کازرفی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - در قانون معاسبات عمومی نوشته شده است : کسی که مالیاتی را بگیرد اینکه قانونی برایش وضع شده باشد در حکم مختلس اموال دولت محسوب است در اینجا مینویسد (بدون اجازه وزارت مالیه) مقصود از این اجازه چیست .

اگر مقصود مأمورین وزارت مالیه که اجازه اختتام مالیات را دارند و همچو چیزی سابقه ندارد که مادر قانون ممیزی این مطلب را بنویسیم .

بنابر این بنده این ماده را زیاد میدانم و باید نوشته شود که برخلاف قانون مالیات بگیرند زیرا اگر وزارت مالیه اجازه داد مالیات خلاف قانونی گرفته شود آیا میتوانند بگیرند؟ بنابر این بنده این ماده را در اینجا زیاد میدانم .

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - هر ملکی از کلیه عوارضات معاف است .

پیشنهاد آقای امیر حشمت - بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه خانواری سر باز بنیچه نوشته شود

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم در ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود :

هر آب و ملکی الی آخر پیشنهاد آقای مشیر معظم - بنده پیشنهاد میکنم ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود :

هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانواری و میرایی و مالیات نقد و جنس که بعنوان حق آب و رودخانه و سایر عوارض که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

رئیس - پیشنهاد می کنم (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازدهم هم این نوع اصلاح شود :

بدون اجازه وزارت مالیه .

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در این ماده نوشته شده است هر ملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارضی که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .

سرانه و خانوار را از ملک که نمیگیرند بلکه از رعیت میگیرند و باید کلمه رعیت اضافه شود دیگر اینکه در اینجا نمی فهمم که مقصود از عوارض چیست . اگر عوارض است که خود دولت میخواهد بگیرند این یک چیزی است و اگر مقصود از عوارض قرارداد های بین مالک و رعیت است مثلا حق البرقع یا چیز دیگر اینها جایز است اینجا نیست و در این باب پیشنهادی هم تقدیم کرده ام .

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - در قانون معاسبات عمومی نوشته شده است : کسی که مالیاتی را بگیرد اینکه قانونی برایش وضع شده باشد در حکم مختلس اموال دولت محسوب است در اینجا مینویسد (بدون اجازه وزارت مالیه) مقصود از این اجازه چیست .

اگر مقصود مأمورین وزارت مالیه که اجازه اختتام مالیات را دارند و همچو چیزی سابقه ندارد که مادر قانون ممیزی این مطلب را بنویسیم .

بنابر این بنده این ماده را زیاد میدانم و باید نوشته شود که برخلاف قانون مالیات بگیرند زیرا اگر وزارت مالیه اجازه داد مالیات خلاف قانونی گرفته شود آیا میتوانند بگیرند؟ بنابر این بنده این ماده را در اینجا زیاد میدانم .

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - هر ملکی از کلیه عوارضات معاف است .

که بعد از لایحه میزبانی جزو دستور بشود
پیشنهاد ایشان تصویب شد
و دو منظور هم که برای این امتیاز فرض
میشود
یکی اعتراض دکتر میلسوی که بالاخره
معلوم شد از نظر ایشان گذشته و بملاوه نماینده
ایشان در تمام مدت جریان این امتیاز در
وزارت فواید عامه بوده است
دیگر اینکه آقای تقی زاده فرمودند
که کمیسیون اقتصادیات مجلس در نظر
دارد که همه راهها را توسط خود دولت
اصلاح کند
بنده تصور می کنم آن نقشه وسیعی
را که کمیسیون اقتصادیات در نظر دارد بزودی
صلی بشود
و عملی تر این است که همین امتیازی
که مجلس آمده و در چند ماده اش هم شور
شده جریان پیدا کنند و اگر آقایان توجه
داشته باشند باینکه این راه چه قدر بد است
و اصلاح این راه برای اقتصادیات يك قسمت
بزرگی از این مملکت چقدر مؤثر است تصدیق
میفرايند که مهمترین موضوعی که جزء
دستور میتواند بشود
همین موضوع امتیاز راه بندر جز
است
و اینکه فرمودند باید از آن مزعمولات
است همینطور است لیکن پس از آنکه
ملاحظه کنند که چقدر بسافریں سخت می
گذرد که
حاضرند باج راه پنج مقابل افزوده شود و
راه درست بشود
همینطور چه قدر برای تجارت نافع است
زیرا بندر جز دروازه روسیه و تجارت آن
قسمت است
و کمان میکنم اصلاح این راه که
با اقتصادیات است و مجلس هم تصویب کرده
بود که بعد از لایحه میزبانی جزو دستور شود
پاین جهت است که بنده هم پیشنهاد کردم
لایحه امتیاز راه دامغان و بندر جز جزو
دستور شود
رئیس - پیشنهاد شده است جلسه
ختم شود
بعضی از نمایندگان - مخالفین
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - آقایان اگر بیک قدری توجه
بفرمایند که ما چقدر کار در دستور داریم و همه
همینطور روی هم مانده
گمان میکنم که اگر رشوند افکار روزی
سه ساعت کار کنند این پیشنهاد آقای وکیل
الملک بقدر همین نطق آقای شریعتمدار
کار داشت فقط رای دادن بدو ماده است و
بنده پیشنهاد میکنم
پیشنهاد آقای وکیل الملک رای گرفته
شود و این دو ماده تمام شود بلکه يك قانونی
از این مجلس بگذرد
رئیس - رای میگیریم بخت مجلس

آقایانی که موافقت قیام نمایند
(ممدودی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد
رای میگیریم پیشنهاد آقای وکیل
الملک آقایانی که موافقت قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت
می شود
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
مملکت ایران از تاریخ اعلان این قانون از
طرف دولت مطابق اصول مترى بوده و
روى مترو كيلو گرام وليتر كميسيون بين المللى
متر تنظيم يافته و واحد آنها از قرار زير
ذيل است :
گرمسایى بيك متر
درم مسایى بيك گرام
بيمانه مسایى بيك ليتر
اضافه و اجزای این مقیاسها نیز که
در جدول نمره ۱ منضم باین قانون مصرح است
رئیس - آقای هرمزی
(اجازه)
هرمزی - عرضی ندارم
رئیس - آقای اخگر
اخگر - عرضی ندارم
رئیس - آقای دستغیب
دستغیب - عرضی ندارم
رئیس - آقای سلطان العلماء
سلطان العلماء - عرضی ندارم
رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - در جدول نمره ۱ راجع بماده
اول دو قسمت مقیاسهای حجم در اجزاء
می نویسد
گرم مکعب مساوی با يك دسی متر
مکعب است
و بهر مکعب مساوی با يك سانتی متر
مکعب است
ولی برای يك ميليمتر مکعب در اینجا
چیزی منظور نشده است
در مواقعی هم که شور در این ماده بود
بنده پیشنهاد کردم همینطور که در هر يك
از مقیاسهای طول و سطح سه جزء قائل
شده اند در اجزاء حجم هم سه جزء گرم و
بهروم رعایت شود و نوشته شود :
گرم مکعب مساوی با يك دسی متر
مکعب
و بهر مکعب مساوی است با يك سانتی متر
مکعب
و موی مکعب مساوی با يك ميليمتر
مکعب
اینها از نقطه نظر علمی و از نقطه نظر
اساسی خوب است و چون اینها يك اصولی
است که باید معمول شود و از فراری هم که
شنیده ام گویا کمیسیون هم قبول کرده است
وظاهر آن در طبع اقتاده است
رهنما (مخبر کمیسیون فواید عامه)
همین طور که آقای تدین فرمودند در کمیسیون
هم تصویب شده است و گویا در طبع اقتاده
افتاده است
رئیس - اگر در کمیسیون قبول شده
است چرا در راپورت تذکر داده
نشده ؟
رهنما - همانطور که گفته شد در
کمیسیون تصویب شده و اگر در اینجا اقتاده
و مانعی ندارد که مادر اینجا اضافه کنیم و
رای بگیریم
رئیس - پس مرقوم بفرمائید تارای
بگیریم
رهنما - در اجزای واحد حجم قسمت
موی مکعب مساوی با يك ميليمتر مکعب
نوشته شود
رئیس - آقای دامغانی
(اجازه)
شریعتمدار دامغانی - فقط يك
اصلاح عبارتی در نظر داشتم و در شور اول
هم عرض کردم و پیشنهاد هم کردم گویا
کمیسیون در نظر نگرفته و آن این است که
لفظ اوزان جمع وزن است و مقادیر چیز است
که باو تقدير می شود و باید بجای اوزان
موازين استعمال کنند یعنی چیزی که با اوزان
میکنند و اوزان و مقادیر مناسبتی ندارد و باید
موازين و مقادیر نوشته شود
رئیس - خوب ماره سوم مطرح می
شود تا این پیشنهاد را تکمیل کنید
(ماده سوم اینطور قرائت شد)
ماده سوم - هر کس حق دارد اوزان
و مقیاسهایی بر طبق این قانون تهیه نماید
ولی قبل از آنکه آنها را بعمرض فروش
در آورده یا برای تجارت و کسب بکار برد
باید آن اوزان و مقیاسها را بتصديق دولت
رسانیده و علامت رسمی در روی آن نقش
شود و الاقلب شناخته خواهد شد
رئیس - مخالفی ندارد
(اظهاری نشد)
رای می گیریم باین ماده با تبدیل
اوزان بموازين
صدر الاسلام - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
صدر الاسلام - اینکه آقای دامغانی
فرمودند :
اوزان جمع وزن است و مقادیر جمع
مقدار و باید اوزان را تبدیل بموازين
نمایند
گمان می کنم صحیح نباشد برای این
که موازين اسم آلت است و ما می خواهیم
تعین وزنها را بکنیم نه تعیین قیام و ترازو
بلکه می خواهیم وزنها و مقیاسهای مختلفي که در
ایران معمول است و اسباب زحمات و مشکلات
شده است آنها را یکی کنیم بنابراین باید
اوزان گفت نه موازين
(جمعی از نمایندگان - صریح است)
رئیس - پس رای می گیریم بماده

سوم بهین ترتیبی که در راپورت نوشته
آقایانی که موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
ماده اول با اصلاحی که شده قرائت
می شود
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
مملکت ایران از تاریخ اعلان این قانون از
طرف دولت مطابق اصول مترى بوده و
مترو كيلو گرام وليتر كميسيون بين المللى
متر تنظيم يافته و واحد آنها از قرار زير
خواهد بود
گرمسایى بيك متر
درم مسایى بيك گرام
بيمانه مسایى بيك ليتر
موی مکعب مساوی بيك ميلي
مکعب
اضافه و اجزای این مقیاسها نیز که
در جدول نمره ۱ منضم باین قانون مصرح است
رئیس - (خطاب به آقای رهنما)
است آقا ؟
رهنما - عرض میکنم که در این قسمتی
که نوشته شده است موی مکعب مساوی
بيك ميليمتر مکعب خوب است این را بنگارم
در جدول مقیاسهای حجم نوشته شود باین
در اینجا هم يك غلط مطبعه ایست که باید
اصلاح شود و آن این است که بجای مایل
مایلین نوشته شده و اشتباه است باید
اصلاح شود
رئیس - اگر این قسمت باید در جدول
حجم نوشته شود پس وقتی جدول رای
گیریم آنوقت بفرمائید و عجلتاً بماده اول
بترتیبی که نوشته شده است رای میگیریم
(ماده اول مجدداً بشرح ذیل
قرائت شد)
ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
مملکت ایران از تاریخ اعلان این قانون از
طرف دولت مطابق اصول مترى بوده و
روى مترو كيلو گرام وليتر كميسيون بين المللى
متر تنظيم يافته و واحد آنها از قرار
ذيل است :
گرمسایى بيك متر
درم مسایى بيك گرام
بيمانه مسایى بيك ليتر
اضافه و اجزای این مقیاسها نیز که در
جدول نمره ۱ منضم باین قانون مصرح است
رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب
میکنند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
ماده پنجم
(بشرح آتی خوانده شد)
ماده پنجم - کلیه تجار و کسبه و قبا
داران و صنعتگران و غیره که در جریه یادگار

و با کاروانسرا و با کارخانجات و تجارتخانهها
و غیره دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده
و با وسیله آلات قلبی وزن و کیل نمایند و
اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از
سه روز تا یکماه بجنس تأدیبی مطابق تشخیص
محکمه محکوم خواهند شد
رئیس - آقای هرمزی
(اجازه)
هرمزی - عرضی ندارم
رئیس - آقای اخگر
(اجازه)
اخگر - در شور اول هم در این ماده
مذاکره شد و این عبارتش بعقیده بنده
خوب نیست و لزومی ندارد که گفته شود
کلیه تجار کسبه قیامدارها و بجای این
هزارت طولی ممکن بود نوشته شود که
(اشخاصیکه) و این کافی بود
بعلاوه در اینجا نوشته شده است این
اشخاص (اگر دارای اوزان و مقیاسهای قلب
بوده و با وسیله آلات قلبی وزن و کیل
نمایند) در این قسمت آخرش بنده هم موافقم
که مجازات
شوند و داشتن آلات قلبی نباید باعث
مجازات شود
شاید يك کسی يك سنك پنج من
یا ده من در يك مکانی داشته باشد و میل
نداشته باشد بپردازد دور و بخواهد آن را
نگاهدارد علتی ندارد که او را مجازات
کنند
بنده عقیده ام این است که قسمت دارای
مقیاسهای قلب بوده حذف شود زیرا اگر
کسی بوسیله آلات قلبی وزن کیل نماید
البته مجازات میشود
و بعلاوه می نویسد علاوه از ضبط آن
آلات سه روز تا یکماه بجنس تأدیبی مطابق
تشخیص محکمه خواهد شد
بنده نمی دانم این محکمه کدام
محکمه است ؟
در یکدهی بتوسط مأمور دولت يك
آلات قلبی کشف شد آنوقت این را بکدام
محکمه میرند ؟
و باید این هم معین باشد که این
محکمه محکمه اداری خواهد بود یا محکمه
عدلیه یا محکمه شرعیه کدام يك از اینها خواهد
بود ؟
و بنده گمان میکنم اگر توضیح داده
شود بهتر است
مخبر - در این سمت در دفعه دوم
که این لایحه مطرح بود این قبیل مذاکرات
کاملاً بعمل آمده که اشخاصی ممکن است
يك سنگهای قلبی داشته باشند و بتوسط آنها
معامله نکنند
در این صورت چرا باید آنها مجازات
داشته باشند ؟
بنده هم عرض کردم و باز تکرار میکنم
که این سنگها يك چیز قیمتی نیست
اگر سنگ است که قیمتی ندارد و صاحب

آنهم دایمی ندارد آن سنك قلبی را در
توی اسباب خودش نگاهدارد
اگر آهن است و قیمتی دارد می برد
و دهد بداره مربوطه و از همان سنگها
میگیرد و قیمتش هم با او مساویست
والا در این قسمت اگر ما اجازه بدهیم
در این که در توی این اوزان قلبی هم باشد
ممکن است در مواقعی که بکنفر کیل می
کند او را هم استعمال کند و بگوید اشتباه
شده است
علی ای حال نماینده محترم آیا معتقد
هستند که باید این اوزان برداشته شود و
متحدالشکل بشود یا خیر ؟
بعلاوه تاجر هم اصرار ندارد يك
سنك غیر معمولی را در دکان خودش نگاه
دارد
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است
(بعضی گفتند - کافی نیست)
رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی
میدانند قیام فرمایند
(جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است پیشنهاد آقای
کازرونی
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیش نهاد میکنم که در ماده پنج
این طور نوشته شود :
کسانیکه بوسیله آلات قلبی وزن
و کیل نمایند الی آخر
رئیس - بفرمائید
کازرونی - اگر چه مطالبی که لازم
بود گفته شد عقیده بنده این است که داشتن
آلات قلبی سبب نمیشود که دارنده را مجازات
کنند آقایان بایستی در نظر بگیرند وضعیت
ایران و مردمان دهانی و صحرائش را
اینها ممکن است يك سنگها و کیلهائی
برای وزن کردن و کیل کردن داشته
باشند
و اشخاصی هم که مأمور اجرای این
قانون هستند ممکن است آن سنگها را هم
اعم از اینکه آهنی باشد یا همین سنگها
باشد
به همین جهت آنها را در فشار گذار
و بگویند در خانه شما این سنك قلبی برای
چه آمده ؟
حالا در صورتیکه بتوسط این آلت
چیزی وزن ننموده بنده دلیلی برایش نمی بینم
که مجازات شود
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را
قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای اخگر هم ضمناً رد شد
پیشنهاد آقای قائم مقام
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیش نهاد می کنم که لفظ و غیرند
از ماده ۵ حذف شود

رئیس - بفرمائید
قائم مقام - بنده کلیه عقیده ام اینست
که نوشته میشود تا یکجدهی مراعات طرز
اجرایش هم بشود
حالا در اینجا در مسئله مأمورین تعدید
يك مذاکراتی شد و بنده عقیده دارم که يك
عملیات آن مأمورین بواسطه همین مطالب
کشدر پیدا شده است
(بنده عرضم مأمورین سوءاستالته
در باب مأمورین خوب چیزی عرض نمی
کنم)
و شاید آن مأمورینی که بد هستند در يك
جاهائی يك تمیذاتی بکنند که هیچ صدای
مردم هم بکسی نمیرسد
بالاخره در این جا دو دفعه لفظ
و غیره نوشته شده
اگر مقصود از و غیره اول عبارت از
اشخاص خصوصی است
غیر از تجار و کسبه لازم نیست این عبارات
نوشته شود بنویسند هر کس
در و غیره دوم هم اگر مقصود خانهای
مردم است که بتوانند بخانهها هم داخل شوند
لازم نیست بنویسند کاروان سراها تجارت
خانها بنویسند هر جا و اگر مقصود این است
که خانها موضوع باشد که باید لفظ و غیره
در اینجا هم برداشته شود
مخبر - مفاسدی را که آقای قائم
مقام فرمودند در این ماده مترتب نیست
برای اینکه اساساً این قانون برای معاملات
با اوزان و مقادیری است که باید با آن
ها دادوستد شود و البته این برای احتیاجات
عمومی است
دولت و مأمورین دولت هم اینقدرها
بیکار نیستند
که بایند در يك خانه و به بینند در آن
جا يك سنك هست یا نیست
جمعی از نمایندگان (بطور همهمه) بدتر از این
است
مخبر - بعلاوه در شور دوم پیشنهاد
فرمودید بجای و غیره و امثال آنها نوشته
شود در کمیسیون قبول نشد زیرا کلیه
کسبه و تجار و قیامدار و غیره وقتی که گفته
میشود لفظ و غیره در ردیف همانها میباشد
که در جاهای خودشان با آن آلات
قلبی نباید معاملات بکنند
شما میفرمائید در اینجا لفظ و غیره
مستلزم این میشود که وزارت مالیه دو هزار
مفتش درست کند که برود در اینجا خانه و آن
خانه و یکی یکی در بزند و در آنجا مفتش
نماید که آیا سنك قلبی دارند یا ندارند
(همهمه نمایندگان)
خیر اینطور نیست
حالا در این قسمت راجع بتجدید
ترباک یکی دوم تبه نظارتی پیدا شده است
و آقایان ناراضی هستند
مربوط باینجا نیست زیرا اوزان و
مقادیر مربوط بمعاملات و دادوستد است و

هیچکس نمی تواند خود بخود دینی اشخاص
مختلف برود و اسباب زحمت شود
لهذا تصور میکنم در اینجا لفظ و غیره
کافی است و باید شامل همه جا هم بشود
و چون آن پیشنهاد آقای قائم مقام در
کمیسیون مورد قبول پیدا نکرد
بنا بر این تقاضا میکنم از ایشان که
این موضوع را چندان توسعه بدهند و
و تعقیب نفرمایند
رئیس - آقایانیکه اصلاح آقای قائم
مقام را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کثیری برخاستند)
رئیس - قابل قبول توجه شد
در این اصلاح رای قطعی میتوانیم
بگیریم ولی پیشنهاد دیگری رسیده است
تکلیف او هم معلوم شود بعد رای قطعی
میگیریم
پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس
(بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم عوض و غیره در ماده
پنجم و امثال آن نوشته شود
محمد هاشم میرزا
رئیس - بفرمائید
محمد هاشم میرزا - بنده در حذف
و غیره يك معایبی می بینم ممکن است که
اسباب اشکال بشود
زیرا غیر از این چند نفر اگر
کسی سنك قلبی درست کند
این قانون شامل او نمی شود و این
ترتیب بعقیده بنده خوب نیست و بالاخره
قانون بایستی هم واضح باشد در موقع
عمل اسباب اشکال نشود
بلی لفظ و غیره بیک قدری توسعه
داشت و ممکن بود اسباب زحمت شود
بنابر این بعقیده بنده لفظ (و امثال
آنها) عیبی ندارد و اگر نوشته نشود
بنده قانون را ناقص میدانم حالا بایستی
به نظریه آقایان
رئیس آقایانیکه این پیشنهاد را قابل
وجه می دانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود
(بمضمون آتی خوانده شد)
این جانب پیشنهاد می نماید که بعد از
قلب بوده اضافه شود از سه روز تا ده روز
جنس تکمیدی مطابق تشخیص محکمه
محکوم خواهد شد و نیز الفاظ لفظ و غیره
بشود
رئیس - بفرمائید
آقا شیخ محمد علی طهرانی
عمل نقب و داشتن آلات قلبی اینها با
هم دیگر در مقام مجازات مختلف است
يك کسی عمل نقب است البته مجازاتش
تأدیبی است
بنا بر این جنس او قابل ابتیاع نیست
ولی کسیکه وزنه قلبی داشته باشد

ولی متقلب در عمل نباشد مجازات او تکدیری است یعنی قابل ابتیاع است اولی باید مجازاتش مجازات تأدیبی باشد یعنی حتماً سه روز تا یکماه حبس شود.

اما اگر يك كسى آلت تقلبی داشت فقط داشتن آلات باعث این نمی شود که قطعاً از سه روز الی یکماه حبس شود و چون این قانون روضه کرده اند که آلات تقلبی از بین برود فقط وقتی میتوانیم بیک شخصی مجازات بدهیم که با این قانون مخالفت کرده باشد و کسیکه آلات تقلبی خود را محو نکرده و باید حبس تکدیری شود نه این که جنحه از او صادر شده باشد و حتماً حبس تأدیبی شود.

از این جهت بنده پیشنهاد کردم اگر قلب داشته باشد در صورتیکه عامل تقلب نباشد از سه روز الی یکماه برای او حبس قابل ابتیاع نوشته شود.

اما اگر آمد و عامل تقلب شد بوزنه تقلبی چیز فروخت باید از سه روز تا یکماه مجازات تأدیبی شود یعنی قابل ابتیاع نباشد پس فرق گذاشتیم بین دارنده آلات تقلبی و عامل تقلب که اولی باید مجازات تکدیری شود و دومی مجازات تأدیبی

بعضی از نمایندگان - صحیح است
مخبر - در شور سابق مجلس رای داد که حبس قابل ابتیاع از ماده حذف شود.

رئیس آقای حاج ملک التجار پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود.
(بعضی از نمایندگان بطور همه مخالف نمودند)

رئیس - رای می گیریم آقایانی که پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند.
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد
رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای شریعت زاده.
(اینطور خوانده شد)

اصلاح ماده پنجم را بترتیب ذیل پیشنهاد می کنم:
ماده ه کلیه اشخاصی که در حجره یا دکان یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارت خانها بوسیله آلات تقلبی وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از یازده روز تا سه ماه حبس تأدیبی مطابق تشخیص محکمه صالحه محکوم خواهند شد

رئیس - بفرمایند
شریعت زاده پیشنهاد بنده متضمن سه اصلاح است

یکی اصلاح عبارتی که توضیحی لازم

ندارد یکی راجع است مسئله داشتن سنک تقلبی چون باید کارها از نقطه نظر اصول حل شود

اگر يك مجلسی میخواهد وجود يك سنك تقلبی را محو کند البته داشتن يك سنك تقلبی ممکن است مستلزم يك يك مجازاتی باشد ولی همیشه مجازات نتیجه ارتکاب عمل ممنوعی است که حقوق جامعه و افراد ضرری وارد آورد فرض کنیم يك كسى سنگهای تقلبی ساخته است و يك كسى هم بدون اطلاع آنها را خریده است بعد ملتفت شد که این سنك تقلبی پس آن عملی که مستلزم مجازات باشد از او سرزده است تا اینکه مجازات شود و بعقیده بنده اشخاصی که سنگهای تقلبی میسازند یا اعمال میکنند چند نفری بین آنها نیست با اشخاصی که اسناد رسمی رامیسازند با اسناد جعلی اعمال میکنند. از این نقطه نظر بنده این جرم را یعنی جرم ساختن سنك تقلبی با اعمال آنرا از وی جرم بزرگی میدانم برای رفع و جلوگیری از این اعمال معتقدم که مجازات شدیدتری در این قانون برایش مبین شود

مخبر - در قسمت اوزان تقلبی که فرمودند راجع به مجازات آنچه باید عرض کنم عرض کردم در این قسمت هم که مجازات را زیاد کنیم آن را هم بنده بنظر مجلس واگذار میکنم.

ولی در این ماده صحبت از ساختن سنك تقلبی نیست صحبت از استعمال کردن و داشتن سنك تقلبی است فقط در این ماده مجازات برای آنکسی مبین شده است که با سنك تقلبی وزن و کیل نماید

رئیس - خطاب بشریعت زاده قسمت اول پیشنهادتان رد شده است قسمت دومش رازای میگیریم
(پیشنهاد ایشان مجدداً قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن قسمت دوم پیشنهاد ایشان آقایانی که قابل توجهش میدانند قیام نمایند.
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای شریعت زاده.
(اینطور خوانده شد)

اصلاح ماده پنجم را بترتیب ذیل پیشنهاد می کنم:
ذیل اصلاح شود

ماده ه کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران و غیره مجاز نیستند به بیج اسم و رسم در حجره یا دکان یا کاروانسرا یا محل کسب خودشان اوزان و مقیاسهای قلب را نگاهدارند و هر گاه معلوم شود که بوسیله آلات تقلبی وزن و کیل یا اندازه گرفته اند علاوه بر ضبط آن آلات از سه روز تا یکماه حبس تأدیبی مطابق تشخیص محکمه صالحه محکوم خواهند شد

رئیس - این پیشنهاد بنده چندان با اصل ماده پیشنهادی کمیسیون فرقی ندارد فقط چون این ماده دو جزء داشت یکی اینکه اگر آلات تقلبی در محل کسب پیدا شد و یکی اینکه کسیکه عامل تقلب شد و وزن تقلبی استعمال کرد بنده در قسمت راجع به عامل تقلب بودن توجه آقایان را توضیحی که آقای آقا شیخ محمدعلی دارند جلب میکنم و همان را کافی میدانم و تکرار نمیکنم چون فرق است.

پس کسیکه تقلب میکند با آن کسیکه آلات تقلبی در حجره اش نگاه میدارد به اصطلاح عوامها زبان يك قیانی است که خیلی کارها میشود با او کرد پس نمیشود گفت که او را باید بزنند بنده از فتحوای توضیح آقای مخبر اینطور فهمیدم که نظرشان این است که این آلات بواسطه سختگیری و ربیبند گمان میکنم برای این کارها منقدر که در قانون قدغن شود که احدی از تجار و کسبه و صنعتگران حق ندارد از این بیمه اوزان قدیمه را در دکان خودش نگاهدارد کافی است

ولی راجع آن کسیکه خلاف کار میشوند بنده هم در این قسمت با عقیده کمیسیون موافقم و از روی اصل ماده استیضاح کردم فقط فرق پیشنهاد من در بودن اوزان تقلبی در حجره است که این مستلزم سیاسی نیست ولی آنکسی که مبادرت بتقلب کرده است البته باید مجازات بشود.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(بعضی از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای قائم مقام.
(بمضمون آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ه لفظ و یا بوسیله آلات تقلبی بلفظ بوسیله آنها تبدیل شود.

یک نفر از نمایندگان - این پیشنهاد رد شده است

قائم مقام - بنده بکلی با فرمایشات آقای زعیم مخالفم و عقیده دارم که داشتن آلات تقلبی برای کسی جرم نیست بلکه استعمال آن جرم است.

دردهات مخصوصاً دردهات آذربایجان رعایا گندم را بایک ظرفهایی کیل میکنند که هم جزو لوازم زندگی و خانه آنهاست و هم با آن کیل میکنند

اگر بنا باشد داشتن آن آلات مستلزم جرم برای آنها بشود آنوقت باید اسباب خانه مردم ضبط شود

حال بنده ماده را میخوانم و بعد بعض آقایان میرسانم

ماده پنجم - کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران و غیره که در حجره یا دکان

و یا کاروانسرا و یا کارخانجات و یا خانهها و غیره دارای اوزان و مقیاسهای بوده و یا بوسیله آلات تقلبی وزن نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آلات از سه روز تا یکماه حبس تأدیبی مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهند شد.

بنابر این بنده عرض میکنم که در این آلات نباید برای آنها موجب مجازات قرار داد در صورتی که دارای علامت رسمی دولت باید آنها را جرم کند و الا کسی که در خانه اش يك آلت تقلبی دارد و استعمال نمیکنند این چرا باید جرم بنده پس باید اینطور نوشته شود:

کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران که در حجره یا دکان و کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارتخانهها و یا اوزان و مقیاسهای قلب بوده و بوسیله آنها وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند.

رئیس - آقای مدبر الملک مینویسند با توضیحاتی که دارم ختم جلسه را پیشنهاد میکنم.

مدبر الملک - بنده میبینم
روز در آخر جلسه یکی یکی آقایان تشریح میکنند و از یک طرف هم مایل هستند میبرند و مجلس از اکثریت می افتد تا امروز که یکساعت و نیم بعد از ظهر است آقایان مایل نیستند جلسه ختم شود ولی هم اینست که امروز این قانون تمامش را ولی روی هر تکه ای چندین پیشنهاد میکنند تمام فلسفه های دنیا را هم میخوانند روزی همان يك تکه توضیح بدهند

اگر حقیقتاً آقایان میخواهند این قانون امروز تمام شود که تمام این پیشنهادها در شور اول شده است و دلیل ندارد که برای هر کدام ما فلسفه بیاییم

بنابر این یکمده که حاضر هستند قانون تمام شود و رای بدهند بیکصصا این را کم کم تولید میکنند و بالاخره تمام است قانون تمام شود و نه جلسه ختم میشود

لهذا بنده پیشنهاد کردم که آقایان مایلند که قانون حل شود رای بدهند اگر اینطور نیست جلسه را ختم کنند و جلسه آتی به درش مذاکره بفرمایند.
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.
رای میگیریم پیشنهاد آقای قائم مقام آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.
رای میگیریم بماده ه بدون تغییر و در سطر اول و دوم و غیره حذف میشود آقایانیکه ماده پنج را بدین ترتیب تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم

ماده ششم - منتها اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانمونه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شعبه اوزان و مقیاسها موجود است میتواند داشته باشد بقدری است که در جدول نمره دو تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که اوزان و مقیاس بانمونه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف ایجاد در صورتی که دارای علامت رسمی دولت باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

رئیس - مخالفی دارد؟
(اظهاری نشد)

رئیس - پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود.
(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده شش لفظ مصادره بکلمه ضبط تبدیل شود.

اخگر - مخالفت بنده با این ماده است.
ولی چون میبینم بعضی از آقایان گرسنه شان شده است و خیلی نسبت به مذاکرات خستگی هستند و از یک طرف هم مایل هستند که اگر يك قانونی میگذرد صحیح بگذرد از طرفی هم البته مایل نیستند که در بین مذاکرات یک ماده جلسه ختم شود

اینست که از آقایان استدعا میکنم تقریباً دودقیقه تا من بفرمایند و هر ایش بنده را استماع فرمایند.

ما این اوزان و مقادیر را قبول کرده ام برای اینکه از دست کسور فرار کنیم از اینکه يك انتقال بیست و چهار مثال فلانقدر در شور اول شده است و دلیل ندارد که برای این ماده باید این راهم دقت نماییم که در در اجرا قانون مردم را دچار يك شصت و یک سیم بکنیم که بالاخره مدتی وقت خود را صرف حساب نکنند

این است که بنده عرض میکنم در این جدول منضم باین قانون اولاً فرق گذاشته اند در اضافه و نقصان اگر بنا باشد بایک دریا نصد کسور را قبول کنیم باید در اضافه هم همان يك دریا نصد را قبول کرده.

همینطور نوشته است:

از يك رطل کمتر اضافه يك دزنی و نقصان يك در شصت و باز نوشته است از يك رطل بیشتر اضافه يك در شصت و نقصان يك صد و بیست این خودش هزار تا محاسب لازم دارد که حساب کنند و ببینند اوزان نشان با این کسور نقصان موافق هست و نه.

و تمام این اقداماتی که برای توحید اوزان میشود برای اینست که مردم از این حیث راحت باشند و بطور حساب اعماری باشد که زودتر بتوانند حساب کنند نه این که هر جا يك کمیسیون تشکیل بدهند که تشخیص بدهند یک صد و بیست مثلاً چقدر میشود که آن دهاتی ببینند که در فلانقدر چقدر کسری دارد يك صد و بیست است یا

نیست این است که بنده با این ترتیب مخالفم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای اخگر را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمایند)

رئیس - رد شد - رای میگیریم
بماده شش آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.
چون باید جدول هم رای گرفته شود و امروز تمام نشود اگر اجازه بفرمایند مذاکرات را ختم کنیم.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - پیشنهادهایی راجع به دستور جلسه آتی رسیده است آقای مدبر الملک و شاهزاده محمدولی میرزا پیشنهاد کرده اند قانون سجل احوال جزو دستور شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)
محمد ولی میرزا - مقصود بنده این بود که در جلسه آتی پس از این که لایحه اوزان و مقادیر تمام شد و ختم شد لایحه قانونی سجل احوال جزو دستور شود و بر سایر لوائح مقدم باشد

رئیس - آقای روحی (اجازه)
روحی - قانون سجل احوال يك شورش گذشته است و چون یک شورش گذشته البته قاطعاً خواهد گذشت و بنده بر طبق استدهای سابق آقایان بطوریکه پیشنهاد کرده ام تقاضا میکنم لایحه سر باز گیری عمومی جزو دستور شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - اول رای میگیریم با این لایحه که مطرح بود.
لایحه اوزان و مقادیر آقایانی که تصویب می کنند جزو دستور باشد قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. حالا رای میگیریم بقانون سجل احوال لایحه سر باز گیری هم پیشنهاد شده است.

آقایانی که تصویب میکنند لایحه سجل احوال در درجه ثانی جزو دستور شود قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.
مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس - مجلس شورای ملی - مؤمن الملک منشی - علی اقبال الملک منشی - معظم السطان